

بررسی و تحلیل سیر معتزله‌پژوهی در قرن بیستم میلادی

حسن زرنوشه فراهانی*

سهیلا پیروزفر**

چکیده

کشف و انتشار نسخه‌های خطی معتزله و در رأس آنها دو کتاب *الانتصار* و *المغنی* در اوایل قرن بیستم میلادی، باعث شد مذهب معتزله، که از قرن‌ها پیش به آن بی‌توجهی شده بود، بار دیگر در کانون توجه محققان قرار گیرد و تحقیقات بی‌شماری به منظور معرفی اندیشه‌های معتزله انجام شود. در این مقاله، سیر معتزله‌پژوهی در قرن بیستم در سه مرحله زمانی بررسی می‌شود؛ مرحله اول، نیمه نخست قرن بیستم یعنی زمان انتشار کتاب *الانتصار* و سایر تحقیقاتی است که در پی آن صورت گرفت. مرحله دوم، آغاز دهه ۶۰ تا اواخر دهه ۸۰ میلادی است که سرآغاز و نقطه عطف آن، کشف *المغنی* قاضی عبدالجبار در یمن است که به دنبال آن نسخه‌های خطی دیگری از عبدالجبار و سایر متقدمان معتزله منتشر شد و تحقیقات متعددی نیز در خصوص اندیشه‌های عبدالجبار نگاشته شد. مرحله سوم نیز دو دهه پایانی قرن بیستم با ویژگی افزایش گستره موضوعی تحقیقات است.

کلیدواژه‌ها: معتزله، نسخه‌های خطی، *الانتصار*، *المغنی*، قاضی عبدالجبار.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) /
hzarnoshe@gmail.com
** دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد / spirouzfard@um.ac.ir

مقدمه

با تحریم رسمی مذهب معتزله به دست قادر، خلیفه عباسی در ابتدای قرن پنجم هجری، و به تبع آن از دسترس خارج شدن کتاب‌های این مذهب، آرا و اندیشه‌های معتزله در طی قرون متمادی فقط از طریق کتاب‌های مخالفان آنها مانند ابوالحسن اشعری، عبدالقاهر بغدادی، ابن حزم ظاهری، عبدالکریم شهرستانی و ... شناخته می‌شد. اما از حدود یک قرن پیش با کشف و انتشار مهم‌ترین نسخه‌های خطی معتزله، مطالعه درباره این مذهب با استفاده از متون پایه آن انجام شد و در پی آن سلسله تحقیقاتی پدید آمد که اندیشه معتزله را از زوایای مختلف بررسی می‌کرد. تقارن زمانی تقریبی میان پدید آمدن جریان اصلاح‌گرایی دینی، که شاخصه آن عقل‌گرایی بود، با کشف نسخه‌های خطی معتزله، که خود نخستین مدافعان عقل‌گرایی به شمار می‌روند، زمینه توجه بیشتر به این کتاب‌ها را فراهم آورد.

۱. آغاز تحقیقات معاصر با انتشار کتاب *الانتصار الخياط*

بر طبق بررسی‌های صورت گرفته، به نظر می‌رسد آغازگر تحقیقات علمی معاصر درباره معتزله، شیخ طاهر الجزائری^۱ (۱۸۵۲-۱۹۲۰) است که کتاب *الانتصار والرد علی ابن الراوندی الملحد* تألیف ابوالحسن الخياط^۲ را در کانون توجه قرار داد. نیبرگ، مصحح کتاب *الانتصار*، در مقدمه کتاب می‌گوید:

معدود کتاب‌های متقدم معتزله در زمان حاضر، جز از سه طریق به دست ما نرسیده است: یا از کتبی است که به دلیل نزدیکی مذهب زیدیه با معتزله، مورد عنایت زیدیان یمن قرار گرفته است، یا از کتبی است که علما به نیت بهره بردن از علوم مختلف موجود در آنها به جز آنچه به علم توحید ارتباط دارد، آنها را نگهداری و ذخیره کرده‌اند، یا از کتبی است که علی‌رغم اعمال فشار و سخت‌گیری برای منزوی کردن آنها، به صورت پنهانی یا اتفاقی به آنها توجه شده است؛ و کتاب *الانتصار* از این نوع اخیر است (الخياط، ۱۹۹۳: مقدمه نیبرگ، ص ۱۰).

کتاب *الانتصار* به عنوان قدیمی‌ترین متن معتزلی برجای مانده، پس از قرن‌ها بی‌توجهی^۴ به همت طاهر الجزائری بار دیگر معرفی و مطرح شد. وی، که به اهمیت این کتاب پی برده بود،

بررسی و تحلیل سیر معتزله پژوهی در قرن بیستم میلادی

کوشید آن را منتشر کند، اما موفق نشد در چاپخانه‌های آن زمان دمشق این کار را انجام دهد تا سرانجام نسخه خطی کتاب را، که متعلق به ۳۴۷ ه.ق. و در اختیار الجزائری بود، در ۱۹۱۰ «دار الکتب المصریة» خریداری کرد (همان: ۱۴) و در ۱۹۲۵ با مقدمه، تحقیق و تعلیق پژوهشگر سوئدی دکتر «نیبرگ» منتشر شد. به گفته نیبرگ، طاهر الجزائری توانست از کتاب/الانتصار مطالب تاریخی‌ای را استنباط کند که تا آن زمان هیچ پژوهشگری نتوانسته بود چنین اطلاعاتی را کسب کند. اطلاعاتی که الجزائری به دست آورد، در مقاله به همت شاگردش، محمد کرد علی (۱۸۷۶-۱۹۵۳) در کتاب/القدیم و الحدیث (ص ۱۴۸-۱۵۶) منتشر شد (همان).

اهمیت کتاب/الانتصار در این است که حاوی بازسازی آرای متکلمان معتزلی به قلم یکی از خود آنهاست و این امکان را می‌دهد که اندیشه‌های معتزلی را به طور کلی دریابیم و با عقیده مهم‌ترین متفکران این مذهب آشنا شویم. در این کتاب اطلاعات جامعی درباره قدر، عدالت، جبر، خوش‌بینی، قدرت عمل، گناه و توبه، افعال محدث، شر، امامت، تصوف و عقل می‌یابیم. خیطا مواضع نخستین متکلمان معتزلی را یکی پس از دیگری درباره این مسائل روشن می‌کند، مخصوصاً مواضع ابوالهذیل و نظام را که آثارشان مفقود است (الشیخ، ۱۳۸۲: ۱۰۴ و ۱۰۵).

شخص دیگری که کمک شایانی به معرفی معتزله در جهان عربی کرده است، شاگرد طاهر الجزائری، یعنی جمال‌الدین القاسمی (۱۸۶۶-۱۹۱۴) است که در سال‌های ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ مقالاتی را با عنوان «تاریخ الجهمیة و المعتزلة» در روزنامه المنار قاهره چاپ می‌کرد که مجموعه این مقالات را در همان زمان انتشارات المنار به صورت کتابی به چاپ رساند. القاسمی به این نکته توجه می‌دهد که منابع موجود درباره معتزله با پیش‌فرض‌های ضد معتزلی تألیف شده‌اند. لذا در خصوص استفاده از این منابع بدون نگاه انتقادی به آنها هشدار می‌دهد (القاسمی، ۱۹۷۹: ۳۰-۳۴). وی روش تفسیر معتزلی را مدلل می‌کند و بر آن است که این روش مبتنی بر جست‌وجوی آزادانه است (الشیخ، ۱۳۸۲: ۴۰۷).

۲. معتزله پژوهی در دهه چهارم و پنجم قرن بیستم

انتشار کتاب/الانتصار در ۱۹۲۵ عامل اصلی آغاز تحقیقات اندیشمندان معاصر عرب درباره معتزله شد. یکی از مهم‌ترین این افراد، نویسنده مشهور مصری، احمد امین (۱۸۷۸-۱۹۵۴) است. وی که «رئیس لجنة التألیف و الترجمة و النشر» بود در تصحیح و ویرایش نیبرگ از کتاب/الانتصار، نیز مشارکت داشت (الخیطا، ۱۹۹۳: مقدمه نیبرگ، ص ۶۱). اما مهم‌ترین اثر او، که باعث معرفی

فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره سوم، شماره پیاپی ۶۳ (بهار ۱۳۹۴)

بیشتر معتزله شد، مجموعه ۸ جلدی کتاب‌های فجر الاسلام (در یک جلد)، ضحی الاسلام (در سه جلد)، ظُهر الاسلام (در سه جلد) و یوم الاسلام (در یک جلد) است که در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۵۳ منتشر شد. در این مجموعه به بررسی حیات فکری و دینی و اجتماعی اسلامی از منظری نو پرداخته شده و در مجموع با دیدی مثبت به معتزله نگریسته می‌شود (برای مثال، نک: امین، ۱۹۶۴: ۶۸/۳-۷۵). گزارشی که وی از تعالیم معتزلی به دست می‌دهد، اساساً برگرفته از کتاب خیاط است (الشیخ، ۱۳۸۲: ۴۰۸). این مجموعه تأثیر بسیاری بر جهت‌دهی مطالعات اسلامی و تطور آن داشت و با اقبال دانشمندان شرق و غرب مواجه شد (Khalid, 1969: 88؛ عقاد، ۱۹۸۷: ۴۹)، اما برخی دیدگاه‌های تعصب‌آلود و ضدشیعی احمد امین (برای مثال، نک: امین، ۱۹۶۹: ۲۶۶-۲۷۸) که با انتقاد علمای شیعه مواجه شد (برای مثال، نک: امینی، ۱۴۱۶: ۴۲۵/۳؛ مطهری، ۱۳۸۷: ۴۲۱/۱؛ همان: ۷۵/۱۸)، اعتبار علمی آثار او را مخدوش می‌کند. افزون بر این، نویسندگان دیگری نیز به نقد آرای او پرداخته‌اند، از جمله زکی مبارک، ادیب و ناقد معاصر وی، در سلسله مقالاتی با عنوان «جنایة احمد امین علی الادب العربی»، از آرای او در زمینه تاریخ و ادبیات عرب به شدت انتقاد کرده است (نک: زکی مبارک، ۱۹۹۱: ۶۷، ۷۷، ۲۳۳-۲۳۴، ۲۴۳-۲۴۴، ۲۶۳-۲۵۵).

علی‌رغم این انتقادات، شهرت و راه‌یابی تألیفات احمد امین به کرسی‌های دانشگاهی سبب شد تحقیقات دیگری برای معرفی معتزله پدید آید که ویژگی آنها این بود که دیگر به طور عام به تاریخ فرهنگ اسلامی نمی‌پرداختند، بلکه به طور خاص و از زوایای مختلف صرفاً دربارهٔ مذهب معتزله بحث می‌کردند که ذیلاً به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

- ابراهیم بن سیار النّظام و آراءه الكلامیة الفلسفیة تألیف محمد عبدالهادی ابوریة (۱۹۰۹-۱۹۹۱) در ۱۹۴۶: نویسنده در این تحقیق که به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد در ۱۹۳۸ در «الجامعة المصریة» نگاشته و بعدها در ۱۹۴۶ به چاپ رسانده است، به بازسازی دیدگاه کلامی و فلسفی نظام در چارچوب زمانی وی می‌پردازد (ابوریة، ۱۹۴۶، مقدمه مؤلف). احمد امین نیز دربارهٔ اندیشه نظام می‌نویسد:

در مکتب او دو رکن اساسی وجود دارد که اساس نهضت جدید در اروپا است و آن شک و تجربه است. نظام شک را اساسی برای بحث به شمار می‌آورد و می‌گوید: انسان شک‌کننده از انسان کافر (الجاحد) به تو نزدیک‌تر است و هیچ یقینی رخ نداد مگر اینکه با شک همراه گشت، و هیچ‌کس از عقیده‌ای به عقیده

بررسی و تحلیل سیر معتزله پژوهی در قرن بیستم میلادی

دیگر انتقال پیدا نکرد، مگر اینکه در میان آن دو عقیده، حالت شک پدید آمد. اما تجربه که نظام آن را به کار گرفت، همان چیزی است که امروز دانشمندان علوم طبیعی و شیمی‌دان‌ها در آزمایشگاه آن را به کار می‌گیرند (امین، ۱۹۶۴: ۱۱۲/۳).

- *المعتزلة* تألیف زهدی حسن جارالله در ۱۹۴۷: نویسنده در این تحقیق که به عنوان رساله دکتری خود در ۱۹۴۷ در دانشگاه آمریکایی بیروت نگاشته، در نهایت خواستار احیای مجدد روح معتزله می‌شود (جارالله، ۱۹۷۴: ۲۶۷). تقریباً هیچ نویسنده دیگری که در آن زمان درباره معتزله تحقیق می‌کرده، به چنین صراحتی مطلبی را درباره احیای مجدد معتزله بیان نمی‌کند. - *فلسفة المعتزلة* تألیف البیر نصری نادر در ۱۹۵۰: نویسنده در این پژوهش، که به عنوان رساله دکتری در ۱۹۴۹ در دانشگاه سوربن فرانسه دفاع کرده (نادر، ۱۹۵۰: ۳)، می‌کوشد تفکر معتزله را به عنوان یک نظام فلسفی جامع بازسازی کند و یکپارچگی آن را نشان دهد.

در کنار این تحقیقات، که به طور خاص درباره مذهب معتزله بحث می‌کردند، پژوهش‌های دیگری نیز بودند که در خلال بحث‌های خود، به چگونگی تشکیل و تکامل مذهب معتزله اشاره می‌کردند. مانند: *عصر المأمون* تألیف احمد فرید رفاعی^۵ در ۱۹۲۷؛ *العصر العباسی الاول: دراسة فی التاريخ السياسی و الاداری و المالی*، تألیف عبدالعزیز الدوری در ۱۹۴۵ و *تاریخ الفرق الاسلامیة* تألیف علی مصطفی الغرابی در ۱۹۴۸.

در مجموع می‌توان گفت توجه به مذهب معتزله در میان اندیشمندان عرب گسترش یافته بود و روزبه‌روز بر تعداد محققانی که به بحث و بررسی درباره این مذهب می‌پرداختند، افزوده می‌شد. برای مثال، آثار متعددی درباره اندیشه‌های جاحظ و نگاه ادبی او نگاشته شد^۶ و نیز درباره شخصیت‌های مشهور و متقدم معتزله تحقیقاتی صورت گرفت.^۷ اما باید به این نکته نیز توجه داشت که نظرات اندیشمندان عرب درباره معتزله به دلیل تحصیل در دانشگاه‌های غربی یا مراکز دانشگاهی الگوگرفته از غرب، متأثر از بحث‌هایی بود که در غرب انجام می‌شد. از جمله عواملی که به این قضیه کمک می‌کرد، ترجمه تحقیقات مستشرقان به عربی بود که بیشتر، معتزله‌پژوهان انجام می‌دادند. مانند کتاب‌هایی که محمد عبدالهادی ابوریده به عربی ترجمه کرد که عبارت‌اند از:

- کتاب *Geschichte der Philosophie im Islam* اثر Tjitze J. de Boer (زبان اصلی:

۱۹۰۱؛ ترجمه شده با عنوان *تاریخ الفلسفة فی الاسلام* در ۱۹۳۸)

فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره سوم، شماره پیاپی ۶۳ (بهار ۱۳۹۴)

- کتاب *Die Renaissance des Islams* اثر Adam Mez - (زبان اصلی: ۱۹۲۲؛ ترجمه شده با عنوان *الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری أو عصر النهضة فی الاسلام* در ۱۹۴۰)
- کتاب *Beiträge zur islamischen Atomlehre* اثر Salomon Pines (زبان اصلی: ۱۹۳۶؛ ترجمه شده با عنوان *مذهب الذرة عند المسلمين و علاقته بمذاهب اليونان و الهنود* در ۱۹۴۶)
- کتاب *Das arabische Reich und sein Sturz* اثر Julius Wellhausen (زبان اصلی: ۱۹۰۲؛ ترجمه شده با عنوان *تاریخ الدولة العربیة من ظهور الاسلام الی نهاية الدولة الامویة* در ۱۹۵۸)
- همچنین عبدالرحمن بدوی (۱۹۱۷-۲۰۰۲) مقالات متعددی از کارلو آلفونزو نالینو (Carlo Alfonso Nallino) درباره معتزله را با عناوین «أصل تسميتها»، «اسم القدريّة»، «الصلة بين مذهب المعتزلة و مذهب الاباضية المقيمين فی افريقية الشمالية» و «حول فكرة غریبة منسوبة إلى الجاحظ عن القرآن» ترجمه کرد (بدوی، ۱۹۴۰: ۱۷۳-۲۱۷).

۲. ۱. کشف/المعنی قاضی عبدالجبار در یمن

در اوایل دهه ۶۰ میلادی، کشف دست‌نوشته‌هایی در یمن، سبب شد اطلاعات جامع‌تری از مذهب معتزله به دست آید و شتاب بیشتری در تحقیقات عربی راجع به معتزله شکل بگیرد.^۸ مهم‌ترین نسخه خطی به دست‌آمده در آن زمان، کتاب *المعنی فی ابواب التوحید و العدل* اثر بارزش قاضی عبدالجبار (متوفی ۴۱۵ ه.ق.) است که در ۱۹۵۱ در یمن کشف شد (الشیخ، ۱۳۸۲: ۱۰۵) و تصحیح آن به همت تعداد زیادی از محققان و با نظارت طه حسین انجام پذیرفت. علی‌رغم اینکه فقط ۱۴ فصل از مجموع ۲۰ فصل کتاب به دست آمده است،^۹ این اثر که بین سال‌های ۳۶۰ تا ۳۸۰ ه.ق. تألیف شده، وسیع‌ترین مجموعه کلام معتزله است که در دست داریم، که جدال کلامی در قرن ۴ هجری را به طور واضح به تصویر می‌کشد و این امکان را می‌دهد که حلقه‌های مفقوده از آرای نخستین شیوخ معتزله را تکمیل کنیم (عبدالجبار، بی‌تا: ج ۱۲، مقدمه). اصالت این کتاب در این است که نویسنده از میراث معتزلی بصره و بغداد، یعنی از تحقیقات و بحث‌هایی که عملاً ۳ قرن (از قرن ۲ تا ۴ ه.ق.) طول کشیده، بهره گرفته است. مؤلف آگاهی بسیار جامعی از تعالیم معتزلی دارد و آنها را در این اثر شرح می‌دهد و نقد می‌کند.

بررسی و تحلیل سیر معتزله پژوهی در قرن بیستم میلادی

در هر مسئله‌ای به نظر استادان بزرگ معتزلی مراجعه می‌کند و سپس عقیده خود را درباره آن می‌آورد. اما علی‌رغم ویژگی‌های مثبت این کتاب، باید به سبک فشرده و گاه مبهم آن اشاره کرد که بی‌گمان ناشی از این است که با سلسله سخنرانی‌هایی سر و کار داریم که عبدالجبار ایراد کرده است، نه با اثری که با نظم و ترتیب نوشته شده باشد (الشیخ، ۱۳۸۲: ۱۰۶-۱۰۸).

کتاب دیگری که منسوب به قاضی عبدالجبار است، شرح الاصول الخمسة نام دارد که در ۱۹۶۵ با تحقیق و ویرایش عبدالکریم عثمان به چاپ رسید.^{۱۰} یک سال بعد در ۱۹۶۶ عبدالکریم عثمان، نسخه خطی دیگر کتاب قاضی عبدالجبار، تثبیت دلائل النبوة را تصحیح و منتشر کرد.^{۱۱} همچنین وی، دو تحقیق دیگر با عناوین قاضی القضاة عبد الجبار بن احمد الهمدانی در ۱۹۶۷ و نظریة التکلیف: آراء القاضی عبد الجبار الکلامیة در ۱۹۷۱ درباره زندگی‌نامه و آرا و نظرات قاضی عبدالجبار منتشر کرد.

کتاب‌های دیگری از قاضی عبدالجبار نیز به همت سایر محققان تصحیح و منتشر شد، از جمله: در ۱۹۶۵ کتاب المحيط بالتکلیف که نوشته ابن متویه از اندیشه‌های عبدالجبار است، به همت عمر السید عزمی و احمد فؤاد الالهوانی تصحیح و منتشر شد. در ۱۹۶۹ کتاب متشابه القرآن به همت عدنان محمد زرزور تصحیح و منتشر شد و در ۱۹۷۲ کتاب فرق و طبقات المعتزلة به همت علی سامی النشار و عصام‌الدین محمد علی تصحیح شد و به چاپ رسید.

از دیگر کارهای ارزشمند، چاپ مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی مرتبط با دو اصل عدل و توحید ذیل عنوان رسائل العدل و التوحید به همت محمد عمارة (متولد ۱۹۳۱) در ۱۹۷۱ است که نویسندگان آن رساله‌ها، حسن بصری، قاسم بن ابراهیم الرسی، قاضی عبدالجبار، شریف مرتضی و یحیی بن الحسین بودند. این رسائل از آنجایی که مکمل یا روشن‌کننده متون موجود معتزلی، و مخصوصاً دائرةالمعارف معنی و دیگر کتاب‌های عبدالجبار یا شاگردان اوست، اهمیت بسیاری برای تحقیق دارد (الشیخ، ۱۳۸۲: ۱۱۴). عمارة در مقدمه مفصلی که بر کتاب می‌نویسد، شرح می‌دهد که چگونه احیای مجدد میراث عقلانی و معناگرای معتزله، باعث احیای مجدد تمدن اسلامی می‌شود^{۱۲} (عمارة، ۱۹۷۱: ۶/۱-۷۵).

علاوه بر کشف و انتشار نسخه‌های خطی کتاب‌های قاضی عبدالجبار، نسخه خطی مهم دیگری را أبو عمران الشیخ^{۱۳} با عنوان الرد علی الجبرية القدرية، که مورخ قرن چهارم هجری و متعلق به ابن خالال است، در کتاب‌خانه ملی رباط ملاحظه کرده است. أبو عمران درباره محتوای این نسخه خطی می‌نویسد:

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره سوم، شماره پیاپی ۶۳ (بهار ۱۳۹۴)

از روی عنوان نسخه برمی آید که کتابی است جدالی، مانند ردّ ابن حنبل یا ردّ دارمی که هدف آن مبارزه با تعالیم معتزلی است. تشبیه جبریه به قدریه این نظر را تأیید می‌کند، ولی پس از بررسی دقیق نخستین صفحات آن به روشنی معلوم شد که صاحب آن نویسنده‌ای معتزلی است که خود را مُلهم از سنت‌های آن آیین اعلام می‌کند (الشیخ، ۱۳۸۲: ۱۱۳).

وی درباره اهمیت این کتاب می‌افزاید:

این نسخه خطی از این جهت اهمیت دارد که دلایلی را که جبریان برای توجیه نظرگاه خود از قرآن استخراج می‌کنند، نشان می‌دهد. ابن خلال، جبریان و قدریان را با هم خلط می‌کند، کاری که معمولاً معتزلیان همچنان در زمان عبدالجبار می‌کردند. او با تکیه بر دو کتاب جعفر بن حرب (متوفی ۲۴۰ ه.ق.) و ابوعلی جبائی (متوفی ۳۰۳ ه.ق.) که هر دو از متکلمان برجسته قرن سوم هجری‌اند، آرای جبریان را رد می‌کند. نویسنده، با استناد به سخنان بزرگان معتزله، بر تفسیر جبری مذهبانه ۳۳ سوره قرآنی و آیات مورد استفاده جبریان خرده می‌گیرد (همان: ۱۱۴).

۲.۲. تحقیقات جدید در پی انتشار آثار قاضی عبدالجبار

انتشار کتاب‌های قاضی عبدالجبار باعث پدید آمدن سلسله تحقیقاتی در دانشگاه‌ها شد که یا به طور مستقیم درباره عبدالجبار تحقیق می‌کردند، یا جنبه‌های خاصی از اندیشه‌های معتزله را بررسی می‌کردند. این تحقیقات می‌کوشیدند معتزله جدیدی را معرفی کنند و بیش از همه نمایانگر استقلال فکری محققان جدید از اندیشه سنتی حاکم بر جوامع عربی بودند که در ذیل به برخی از این تحقیقات که مرتبط با رویکرد تفسیری معتزله هستند، اشاره می‌شود:

- بلاغة القرآن فی آثار القاضی عبد الجبار و أثره فی الدراسات البلاغیة تألیف عبدالفتاح لاشین در ۱۹۷۸: نویسنده در این تحقیق که به عنوان رساله دکتری در ۱۹۷۳ در دانشگاه الأزهر از آن دفاع کرده است، نگاه بلاغی عبدالجبار به قرآن و همچنین تأثیرات زبان‌شناسی قرآن بر متفکرانی همچون عبدالقاهر جرجانی، سید رضی، سید مرتضی، حاکم جشمی، زمخشری و فخر رازی را بررسی می‌کند (لاشین، ۱۹۷۸: مقدمه، ص ۱۲).

بررسی و تحلیل سیر معترله پژوهی در قرن بیستم میلادی

- اعجاز القرآن بین المعتزلة و الاشاعرة تألیف منیر سلطان در ۱۹۷۷: در این کتاب ابتدا به بررسی دیدگاه بزرگان معتزله یعنی نظام، جاحظ، ابوعلی جبائی، ابوهاشم جبائی، رمانی و قاضی عبدالجبار در باب اعجاز قرآن پرداخته می‌شود (نک: سلطان، ۱۹۷۷: ۳۷-۹۰). سپس دیدگاه بزرگان اشاعره بررسی می‌شود و در ادامه نظرات دو گروه به صورت تطبیقی تحلیل می‌شود.

- مفهوم العدل فی تفسیر المعتزلة للقرآن الکریم تألیف محمود کامل احمد در ۱۹۸۰: نویسنده در فصل اول کتاب به بررسی روش تفسیری معتزله و قواعد علمی این روش از جمله دلیل عقلی، رویکرد کلامی، توجیه لغوی و بلاغی، بررسی وجوه مختلف آیات، اخذ به عموم لفظ و نه خصوص سبب و ردّ متشابهات به محکّمات می‌پردازد (احمد، ۱۹۸۳: ۴۹-۱۵۱).

- الاتجاه العقلی فی التفسیر: دراسة فی قضیة المجاز فی القرآن عند المعتزلة تألیف نصر حامد ابوزید (۱۹۴۳-۲۰۱۰) در ۱۹۸۱: نویسنده در این کتاب، که پایان‌نامه کارشناسی ارشد وی در ۱۹۷۷ است، به بررسی مهم‌ترین مبحث بلاغت، یعنی مجاز، می‌پردازد. وی به نقش معتزله در پرورش و تکامل مفهوم مجاز اشاره می‌کند (ابوزید، ۱۹۹۶: مقدمه، ص ۵) و در تحقیق خود از منابع اصیل اندیشه اعتزالی و در رأس آنها المعنی قاضی عبدالجبار بهره می‌برد (همان: ۶).

علاوه بر این آثار، دو پژوهش مهم دیگر نیز در اواخر دهه ۷۰ میلادی در جهان عرب صورت گرفت که با نگاه به اندیشه‌های قاضی عبدالجبار به بررسی دو موضوع عقلانیت و آزادی (اختیار) در بستر فکر اعتزالی پرداختند. در هر دو پژوهش سعی شده تا اندیشه‌های معتزله در چارچوب زمانی معاصر احیا شود. یکی از این تحقیقات، العقل عند المعتزلة؛ تصوّر العقل عند القاضی عبدالجبار اثر نویسنده لبنانی حُسنی زینة است که در ۱۹۷۸ نگاشته شده است. پژوهش دیگر اثر أبو عمران الشیخ است که به زبان فرانسه و با عنوان مشکلات انسان لیبرال از دیدگاه یک مسلمان: راه‌حل معتزله در ۱۹۷۸ نگاشته شده است.^{۱۴} نویسنده به نیکی از معتزله یاد می‌کند و نظریه اختیار انسان را تحسین می‌کند و می‌کوشد ریشه اسلامی آن را نمایان و در مقابل، ریشه غیراسلامی اندیشه جبر را آشکار کند. وی می‌نویسد:

جبریان مسلمان با مذهب ثنویت، فلسفه نوافلاطونی و آیین بودایی مرتبطانند، ولی مدعی آن‌اند که نظرگاه خود را در پرتو روشن نص قرآنی توجیه می‌کنند و در این کار اثبات تعالی الاهی را وجهه نظر دارند. به عقیده آنها، انسان مختار

فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره سوم، شماره پیاپی ۶۳ (بهار ۱۳۹۴)

نیست، زیرا هر گونه قدرتی از آن خداست و بس. می‌توان این موضع افراطی را با موضع لوتر در قرن شانزدهم مقایسه کرد (الشیخ، ۱۳۸۲: ۲).

أبو عمران در تأیید دیدگاه معتزله می‌نویسد: «مذهب معتزلی در توجیه نظریه خود مبنی بر اختیار انسان، از یک سو، آیات قرآنی را که جبریان در تأیید آرای خود به آنها متوسل می‌شوند تحلیل می‌کنند و از سوی دیگر دلایلی عقلانی اقامه می‌کنند تا نشان دهند که اختیار انسان واقعاً وجود دارد» (همان: ۳).

۳.۲. پژوهش‌های انتقادی

در این دوران، علاوه بر تحقیقاتی که با نگاه مثبت به معتزله می‌نگریستند، پژوهش‌هایی نیز به نقد اندیشه و عملکرد معتزله می‌پرداختند. مانند *موقف المعتزلة من السنة النبوية و مواطن انحرافهم عنها* که در ۱۹۷۹ به همت نویسنده تونسی ابولبابه حسین تألیف شد. وی با نگاهی سلفی - وهابی به انتقاد از معتزله می‌پردازد. به اعتقاد وی، پیامدهای ناشی از معتزله‌گرایی با سنت نبوی کاملاً در تضاد است. مذهب معتزله با سوءنیت اصحاب پیامبر را نقد (حسین، ۱۹۷۹: ۷۸-۹۰) و بسیاری از احادیث متواتر و اخبار آحاد را انکار می‌کند (همان: ۹۰-۱۰۱)، منکر رؤیت خدا در قیامت، شفاعت پیامبر برای اهل کبائر و معجزات پیامبر (ص) است و نیز در خصوص مجازاتی که در قرآن برای شارب خمر و سارق آمده، تخفیف قائل شده است (همان: ۱۱۸-۱۳۹). وی کتاب را با این جمله به پایان می‌برد که اگر آغاز معتزله، دفاع از اسلام در برابر طعنه‌های دشمنان بود، اما سرانجام آنها تعصب مذهبی بسیار شدیدی بود (همان: ۱۷۲).

۳.۳. گسترش معتزله پژوهی در دو دهه پایانی قرن بیستم میلادی

از اواسط دهه ۸۰ میلادی، تعداد محققانی که درباره معتزله تحقیق می‌کردند، به طور قابل توجهی افزایش یافت^{۱۵} که برخی با نگاه مثبت و برخی نیز با دید انتقادی، از ابعاد و زوایای مختلف به بررسی مذهب معتزله می‌پرداختند. در مجموع می‌توان پژوهش‌های این دوره را به چند گروه تقسیم کرد: ۱. تصحیح آثار کهن؛ ۲. پژوهش در تاریخ مذهب؛ ۳. پژوهش در آرای فلسفی - کلامی مذهب؛ ۴. پژوهش‌های انتقادی صرف.

۱.۳. تصحیح آثار کهن

یکی از فعالیت‌های پژوهشی در این دوره، تصحیح و معرفی نسخه‌های خطی متعلق به بزرگان معتزله یا مخالفان آنها است که انتشار این کتب در جهت حمایت یا ضدیت با اندیشه‌های نوگرایی دینی در عصر حاضر، قابل تحلیل است. از جمله، در ۲۰۰۰، نسخه خطی کتاب *قبول الاخبار و معرفة الرجال*^{۱۶} تألیف ابوالقاسم کعبی بلخی (۲۷۳-۳۱۹ ه.ق.) از بزرگان معتزله، که دیدگاه مذهب را درباره حدیث بیان می‌کند، تصحیح و انتشار یافت. علاوه بر تصحیح نسخه‌های خطی متعلق به متقدمان معتزله، کتب خطی منتقدان معتزله نیز مورد توجه جریان مخالف با مذهب اعتزال قرار گرفت و منتشر شد. از جمله: کتاب *خلق القرآن بین المعتزلة و اهل السنة* تألیف فخر رازی (متوفی ۶۰۶ ه.ق.) که در ۱۹۸۹ چاپ شد و کتاب *مرهم العلل المعضلة فی الرد علی أئمة المعتزلة* تألیف عبدالله بن اسعد الیافعی (متوفی ۷۶۸ ه.ق.) که در ۱۹۹۲ منتشر شد که هر دو اثر به نقد دیدگاه معتزله می‌پردازند. همچنین در عربستان سعودی نیز، که مهد مخالفت با اندیشه اعتزالی است، نسخه‌های خطی دو کتاب با عناوین *الحیة و الاعتذار فی الرد علی من قال بخلق القرآن* تألیف ابوالحسن الکنانی^{۱۷} (متوفی ۲۴۰ ه.ق.) و *الانتصار فی الرد علی المعتزلة القدریة الاشرار* تألیف یحیی بن ابی الخیر العمرانی (متوفی ۵۵۸ ه.ق.) در سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۹ تصحیح و منتشر شد.

به نظر نگارنده، هدف اصلی انتشار این کتاب‌ها فراهم آوردن زمینه استدلال بر ضد تجددخواهانی است که همبستگی با مذهب معتزله دارند و خود را پیرو اندیشه‌های متقدمان معتزله می‌دانند.

۲.۳. پژوهش در تاریخ مذهب

پژوهش درباره تاریخ مذهب معتزله در دو دهه پایانی قرن بیستم همچنان ادامه داشت و در این میان دیدگاه‌های متفاوتی درباره تشکیل و تکامل مذهب معتزله بیان می‌شد.

در ۱۹۸۴، محمد حمود در مقاله‌ای، اعتقاد معتزله به سلطه عقل را نشئت گرفته از ساختار معرفتی آنها و نهایت آن را دستیابی به قدرت معرفی می‌کند. وی معتزله را یک جنبش آزادی‌خواه لیبرال و روشنفکرانی نخبه معرفی می‌کند. اما با وجود نگاه مثبتی که به معتزله دارد با منتقدان همراه می‌شود و بیان می‌کند که معتزله علی‌رغم دعوت به عقل‌گرایی و برپایی جامعه آزاد، زمانی که به قدرت دست یافتند، جامعه را به عقیده معینی (قول به خلق قرآن) که اراده

انسان را مصادره و آزادی‌اش را سلب می‌کند، فرا خواندند و هر کس را که از آن اعراض می‌کرد، محکوم می‌کردند. در نتیجه با این کار، اصول و مبانی خود را از بین بردند (حمود، ۱۹۸۳: ۴۰۵).
در ۱۹۸۹، نویسندهٔ مصری، عبدالرحمان سالم، کتابی را با عنوان *التاریخ السیاسی للمعتزلة حتى نهاية القرن الثالث الهجری* نوشت و در آن پدید آمدن جریان‌های مختلف فکری در اسلام را ناشی از اندیشه‌های سیاسی پشت پرده آنها دانست (سالم، ۱۹۸۹: ۷). در همین سال، فهمی جدعان (متولد ۱۹۴۰) کتابی را با عنوان *المحنة: بحث فی جدلیة الدینی و السیاسی فی الاسلام* تألیف کرد. از قرن‌ها پیش، در جهان عربی-اسلامی، جریان محنة^{۱۸} در قالب نفوذ و تأثیرگذاری معتزلیان بر دولت عباسی و استفاده ابزاری آنها از شعار خلق قرآن بر ضد مخالفانشان تحلیل می‌شد. اما جدعان در کتابش به دنبال تبرئه معتزله از این اتهام است. وی هدف از نوشتن این کتاب را دو امر می‌داند: «نخست آنکه می‌خواهم به گونه‌ای معتزله را از این ماجرا دور کنم که با آنچه در این مورد به آنان نسبت داده شده، تسویه حساب شود و مسائل مربوط به این ماجرا را به نفع تاریخ به سیر طبیعی‌شان بازگردانم. دوم اینکه نمی‌خواهم به قضیهٔ محنة به مثابهٔ قضیهٔ کلامی یا اعتقادی ناب نگاه کنم، بلکه می‌خواهم آن را از یک سو به مثابهٔ نمود آشکار رابطهٔ بین سلطه یا امر و از سوی دیگر اجابت یا اطاعت در دولتی که دولت خلافت است، بررسی کنم» (جدعان، ۲۰۰۰: مقدمه، ص ۱۶ و ۱۷).

اندیشمند مراکشی، محمد عابد الجابری (۱۹۳۶-۲۰۱۰) نیز در کتابی که در ۱۹۹۵ تحت عنوان *المتفقون فی الحضارة العربیة: محنة ابن حنبل و نکبة ابن رشد* نگاشت، در تحلیلی نزدیک به تحلیل فهمی جدعان، جریان محنة را به «امنیت دولت» عباسی پیوند می‌دهد. وی یکی از تهدیدات پیش روی دولت عباسی را در زمان مأمون، دل‌بستگی مردم به امویان و پدیدار شدن اندیشهٔ سفیانی می‌داند که با حمایت اهل حدیث و پیشاپیش همهٔ آنها، ابن حنبل، نفوذ این اندیشه در میان مردم روزبه‌روز بیشتر می‌شد و جنبش‌های معارض با حکومت تقویت می‌شدند. مأمون برای مبارزه با این تهدیدات، از آنجایی که رابطهٔ مستقیمی بین خودداری از قول به مخلوق بودن قرآن و کمک و همدلی با امویان وجود داشت، پرسش از خلق قرآن را به عنوان راهبرد امنیتی دولت خود مطرح کرد تا بدین وسیله جنبش مخالفان را سرکوب کند. همهٔ این امور سبب شد بازخواست‌شدگان و هواداران‌شان، معتزلیان را متهم کنند که برای پیش‌برد مذهب خویش، دولت را به کار گرفته‌اند. معتزلیان متهم شده بودند که خلق قرآن را در دهان مأمون گذاشته‌اند. در واقع

بررسی و تحلیل سیر معتزله پژوهی در قرن بیستم میلادی

نقش معتزله در این جریان در معرض انواع تباری تاریخی قرار گرفته است (نک: جابری، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۵۵).

علاوه بر این تألیفات، کتب متعددی نیز به طور عام به بحث درباره مذاهب کلامی و سیر تاریخی آنها می‌پرداختند. از جمله: *أهم الفرق الإسلامية* از محمد الطاهر النيفر در ۱۹۸۶؛ *بحوث فی الملل و النحل* از شیخ جعفر سبحانی در ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷؛ و *مذاهب الاسلامیین* از عبدالرحمن بدوی در ۱۹۹۶.

۳.۳. پژوهش در آرای فلسفی - کلامی مذهب

بخش دیگری از پژوهش‌های این دوره، که بعضاً پایان‌نامه یا رساله‌های دانشگاهی بودند، بر دیدگاه‌ها و نظرات فلسفی یا کلامی معتزله متمرکز بودند، از جمله، رساله دکتری سمیح دُعیم با عنوان *فلسفة القدر فی فکر المعتزلة* که در ۱۹۸۵ در دانشگاه مسیحی قدیس یوسف بیروت از آن دفاع شد. وی انسان را از دیدگاه معتزله موجودی سازنده ارزش معرفی می‌کند، یعنی فقط خداوند نیست که ارزش‌های خاصی را تعریف کرده است و انسان را موظف کرده تا آنها را رعایت کنند، بلکه انسان با عقل خود قادر به تأسیس ارزش‌ها است و در این مورد اصول معتزله با اصول فلاسفه غربی، به جز در پاره‌ای از موارد، یکسان است (نک: دُعیم، ۱۹۹۲: ۳۲۹-۳۳۸). فیلسوف سوری، عادل العوا (۱۹۲۱-۲۰۰۲) نیز در تحقیق خود با عنوان *المعتزلة و الفكر الحر*، که در ۱۹۸۷ نگاشته است، دیدگاهی مشابه دیدگاه دُعیم را بیان می‌کند (نک: العوا، ۱۹۸۷: ۸۵-۱۰۴). محقق دیگری به نام رشید الخیون^{۱۹} دو پژوهش به نام‌های *مذهب المعتزلة من الکلام الی الفلسفة و معتزلة البصرة و بغداد* را در ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ به چاپ رساند. وی در این آثار متأثر از افرادی مانند البیر نصری نادر و حسین مُرّوة^{۲۰} خود را پیرو فلسفه مادی نشان می‌دهد و معتقد است اندیشه معتزله گام مهمی برای ایجاد جهان‌بینی مادی و تجربی در دنیای عربی ایجاد می‌کند (بندر، ۱۹۹۴: ۸-۱۰).

علاوه بر این دو تحقیق، پژوهش‌هایی نیز در مصر صورت گرفت؛ از جمله پایان‌نامه‌هایی^{۲۱} که محمد عاطف العراقی (متولد ۱۹۳۵) استاد فلسفه دانشگاه قاهره، که غالباً منتقد مذهب معتزله بود، راهنمایی می‌کرد.

بررسی آرای کلامی برخی از بزرگان معتزله نیز موضوع تحقیقات دیگری بود.^{۲۲}

۴.۳. پژوهش‌های انتقادی صرف

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، به موازات تحقیقاتی که نگاه مثبت و تحسین‌برانگیز به معتزله داشتند، پژوهش‌هایی را نیز جریان غالب اهل تسنن صورت می‌دادند که به نقد شدید معتزله یا فراتر از آن به طرد و رد کامل این مذهب می‌پرداخت. از جمله این پژوهش‌ها در دو دهه پایانی قرن بیستم، *العصریون؛ معتزلة الیوم* تألیف یوسف کمال در ۱۹۸۶ است که در رد مدرن کردن اسلام و جریان نومعتزله نوشته شده است. مقدمه‌ای را نیز عمر التلمسانی (۱۹۰۴-۱۹۸۶) رهبر آن زمان اخوان المسلمین بر کتاب نگاشته است (کمال، ۱۹۸۶: مقدمه) که از همراهی اسلام‌گرایان با طرد معتزله‌گرایی حکایت دارد. کتاب دیگر، *المعتزلة بین التقدیم و الحدیث* تألیف مشترک محمد العبد و طارق عبدالحلیم در ۱۹۸۷ است که نویسندگان در جای‌جای کتاب انتقادات سختی را بر معتزله وارد می‌کنند (العبد و عبدالحلیم، ۱۹۸۷: سراسر اثر). پژوهش دیگر، *المعتزلة و أصولهم الخمسة و موقف أهل السنة منها* در ۱۹۸۹ است که دیدگاه اهل سنت را درباره اصول معتزله بیان می‌کند. نویسنده به انتقاد از افرادی می‌پردازد که عقلانیت را در برابر قرآن و سنت قرار می‌دهند و خواستار احیای مجدد اندیشه‌های معتزله هستند. وی در پاسخ به کسانی که معتزله را از بین‌رفته و نقد آن را بی‌فایده می‌دانند، می‌گوید: «این فرقه در ظاهر از بین رفته است، اما بسیاری از آرای آنان همچنان باقی است، به علاوه اینکه در عصر حاضر بعضی با این ادعا که معتزلیان، پیش‌گامان و طلایه‌داران آزادی اندیشه هستند، به احیای دوباره این فرقه دعوت می‌کنند» (مُعتق، ۲۰۰۱: ۵ و ۶).

علاوه بر این کتاب‌ها، پژوهش‌های دیگری نیز در عربستان سعودی با هدف حمایت از اندیشه‌های سلفی صورت گرفت، که نویسندگان آنها علاوه بر نقد معتزله، برخی از آرای اشاعره را نیز به دلیل تأثیرپذیری از معتزله مخدوش دانسته‌اند و از این رهگذر در پی تأیید مذهب خودساخته «اهل السنة و الجماعة» هستند. از جمله این تلاش‌ها، که رویکرد تفسیری دارد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد صالح بن غرم الله الغامدی است که در ۱۹۹۸ به چاپ رسید و موضوع آن، بررسی آن دسته از اندیشه‌های زمخشری (متوفی ۵۳۸ ه.ق.) درباره قرآن است که در کتاب *الانتصاف ابن المنیر* (متوفی ۶۸۳ ه.ق.) نقل و نقد شده است. وی به تفکیک سوره‌ها، موارد اختلافی دو نویسنده را ذیل هم ذکر می‌کند و به بررسی آنها می‌پردازد. گرچه در مقدمه کتاب، این روش تلاشی برای قضاوت ایدئال و مطابق با اصول اسلامی و میانی علمی دانسته شده و شعار «يعرف الرجال بالحق و لا يعرف الحق بالرجال»^{۲۳} (غامدی، ۱۹۹۸: ص ب) داده شده، اما

بررسی و تحلیل سیر معتزله پژوهی در قرن بیستم میلادی

در عمل با تمام آرای زمخشری مخالفت شده و حتی در بعضی موارد که آرای ابن‌المنیر نیز مطابق با آرای زمخشری یا مخالف اندیشه‌های سلفی است، بر نظرات او نیز خدشه وارد شده است.

تحقیق دیگری که با این رویکرد نگاشته شده، رساله دکتری با عنوان «اثر الفکر الاعتزالی فی عقائد الاشاعرة عرض و نقد» است که در ۱۹۹۹ در «جامعة ام‌القری» مکه دفاع شده است. نویسنده، اشاعره را به دلیل تأثیرپذیری از معتزله در مواردی مانند دلیل حدوث، نظریه جوهر فرد که مسئله حدوث عالم بر آن استوار شده، اثبات خالق، بعث، تقدیم عقل بر نقل، عدم احتجاج به خبر واحد در عقاید و ... نقد می‌کند (نفیعی، ۱۹۹۹: ملخص الرسالة). وی معتقد است عقاید و روش معتزله همچنان باقی است و در مذاهب شیعه اثناعشریه، زیدیه و اباضیه نمود دارد (همان). در عربستان سعودی علاوه بر تألیفاتی که به شدت معتزله را نقد می‌کنند، پژوهش‌هایی نیز در جهت تعدیل این فضا و نزدیک کردن اشاعره و معتزله به یکدیگر انجام گرفته است. علی الضویحی در رساله دکتری خود که در ۱۹۹۵ به چاپ رساند، با استناد به آیاتی از قرآن، عقل را وسیله تدبیر انسان در قرآن برای دستیابی به حلال و حرام آن می‌داند و تقلید کورکورانه را نفی می‌کند (ضویحی، ۱۹۹۵: ۱۶). البته وی عقل را در مقابل قرآن و سنت، محکوم می‌داند نه حاکم، و عقل حاکم بر قرآن و سنت را گمراه‌کننده معرفی می‌کند (همان: ۱۸). لذا اعتقاد دارد هنگامی که معتزله به تمجید و تقدیس عقل می‌پردازند و جایگاهی فراتر از جایگاه واقعی آن به او می‌بخشند، عقل، آنها را به بیراهه‌های فکری می‌کشاند تا جایی که با منهج سلف مخالفت می‌کنند و از مسیر اهل سنت در مسائل متعلق به اصول فقه منحرف می‌شوند. لذا وی به بررسی مواردی می‌پردازد که معتزله با استناد به عقل با آرای اصولی اهل سنت مخالفت می‌کنند، البته وی متذکر می‌شود که به دنبال طعن معتزله نیست، بلکه با تمسک به انصاف (انتصاف) و بهره‌گیری از کتب مورد اعتماد معتزله به تبیین آرای صواب و ناصواب معتزله می‌پردازد (همان: ۱۹).

نتیجه

بر اساس آنچه گذشت، باید گفت:

۱. کشف و انتشار نسخه‌های خطی معتزله در اوایل قرن بیستم میلادی به خصوص دو کتاب *الاتتصار ابوالحسین الخياط و المعنى قاضى عبدالجبار*، از مهم‌ترین عوامل توجه دوباره به مذهب معتزله در عصر حاضر است.
۲. سیر معتزله‌پژوهی در قرن بیستم از ابتدا تا انتهای آن، هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ گستره موضوعی تحقیقات، روند رو به رشدی را طی کرده است.

منابع

۱. ابن خلکان (بی تا). *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار الثقافة.
۲. ابوریة، محمد عبد الهادی (۱۹۴۶). *ابراهیم بن سيار النظام و آراءوه الكلامية الفلسفية*، قاهرة: لجنة التألیف و الترجمة و النشر، الطبعة الاولى.
۳. ابوزید، نصر حامد (۱۹۹۶). *الاتجاه العقلى فى التفسیر: دراسة فى قضية المجاز فى القرآن عند المعتزلة*، دار البيضاء: المركز الثقافى العربى، الطبعة الثالثة.
۴. احمد، محمود کامل (۱۹۸۳). *مفهوم العدل فى تفسیر المعتزلة للقرآن الکریم*، بیروت: دار النهضة العربية، الطبعة الاولى.
۵. امین، احمد (۱۹۶۴). *ضحى الاسلام*، قاهرة: مكتبة النهضة المصرية، الطبعة السابعة، ج ۳.
۶. امین، احمد (۱۹۶۹). *فجر الاسلام*، بیروت: دار الكتاب العربى، الطبعة العاشرة.
۷. امینی، عبد الحسین (۱۴۱۶). *الغدير فى الكتاب و السنة و الادب*، قم: مرکز الغدير، الطبعة الاولى.
۸. انصارى، حسن، «نویسنده تثبیت دلایل النبوة»، در: ansari.kateban.com/entry2236.html، منتشر شده در ۱۳۹۳/۱۰/۸.
۹. انصارى، حسن، «یک پرسش مهم درباره یک کتاب مشهور: تثبیت دلایل النبوة»، در: ansari.kateban.com/entry2226.html، منتشر شده در ۱۳۹۳/۸/۲۸.
۱۰. بدوی، عبد الرحمن (۱۹۴۰). *التراث اليونانى فى الحضارة الاسلامية*، قاهرة: مكتبة النهضة المصرية.

بررسی و تحلیل سیر معتزله پژوهی در قرن بیستم میلادی

۱۱. بندر، رشید (۱۹۹۴). *مذهب المعتزلة من الكلام إلى الفلسفة*، بیروت: دار النبوغ، الطبعة الاولى.
۱۲. پاکتچی، احمد (۱۳۸۷). مدخل «تفسیر»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی تهران*: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ج ۱۵، ص ۶۸۰-۷۴۲.
۱۳. جابری، محمد عابد (۱۳۹۱). *سقراطهایی از گونه‌ای دیگر: روشنفکران در تمدن عربی*، ترجمه: سید محمد آل مهدی، تهران: فرهنگ جاوید، چاپ دوم.
۱۴. جار الله، زهدی حسن (۱۹۷۴). *المعتزلة*، بیروت: الاهلية للنشر و التوزيع.
۱۵. جدعان، فهمی (۲۰۰۰). *المحنة: بحث فی جدلیة الدینی و السیاسی فی الاسلام*، امان: دار الشروق، الطبعة الثانية.
۱۶. حسین، ابوالبابا (۱۹۷۹). *موقف المعتزلة من السنة النبوية و مواطن انحرافهم عنها*، ریاض: دار اللواء، الطبعة الاولى.
۱۷. حمود، محمد (۱۹۸۳). «سلطة العقل عند المعتزلة»، *مجلة الفكر العربي*، ش ۳۳-۳۴، ص ۳۹۸-۴۰۷.
۱۸. خالد، دتلو (۱۳۸۷). پرونده «گرایش‌های اعتزالی در قرن بیستم»، ترجمه: سید مهدی حسینی و مینو ایمانی، در: *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۴، ص ۳۳-۴۳.
۱۹. خیاط، ابوالحسین (۱۹۹۳). *الانتصار و الرد علی ابن الراوندى الملحد*، مقدمه و تحقیق و تعلیق: نیبرگ، قاهرة و بیروت: مکتبه الدار العربیة للکتاب و اوراق شرقیة، الطبعة الثانية.
۲۰. دغیم، سمیح (۱۹۹۲). *فلسفة القدر فی فکر المعتزلة*، بیروت: دار الفكر اللبناني، الطبعة الاولى.
۲۱. رازی، فخر الدین (۱۹۸۹). *خلق القرآن بین المعتزلة و اهل السنة*، تحقیق احمد حجازی السقا، قاهرة: المکتب الثقافی، الطبعة الاولى.
۲۲. راشدی نیا، اکبر (۱۳۸۷). «کتاب شرح الاصول الخمسة: تألیف قاضی عبدالجبار یا قوام الدین مانکدیم»، *مجلة معارف عقلی*، ش ۱۱، ص ۱۸۳-۱۹۶.
۲۳. رضازاده لنگرودی، رضا؛ زریاب، عباس (۱۳۷۴). مدخل «ابن راوندی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی تهران*: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ج ۳، ص ۵۳۱-۵۳۹.
۲۴. رفاعی، احمد فرید (۱۹۲۷). *عصر المأمون*، قاهرة: دار الکتب المصریة.
۲۵. زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۰). *الأعلام*، بیروت: دارالعلم للملایین، الطبعة الخامسة.
۲۶. زکی مبارک، محمد (۱۹۹۱). *جناية احمد امین علی الادب العربی*، بیروت: دار الجیل.
۲۷. سالم، عبد الرحمان (۱۹۸۹). *التاریخ السیاسی للمعتزلة حتى نهاية القرن الثالث الهجری*، قاهرة: دار الثقافة، الطبعة الاولى.

فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم: سال شانزدهم، شماره سوم، شماره پیاپی ۶۳ (بهار ۱۳۹۴)

۲۸. سلطان، منیر (۱۹۷۷). اعجاز القرآن بين المعتزلة و الاشاعرة، اسكندرية: منشأة المعارف، الطبعة الاولى.
۲۹. الشيخ، أبو عمران (۱۳۸۲). مسئله اختيار در تفكر اسلامى و پاسخ معتزله به آن، ترجمه: اسماعيل سعادت، تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول.
۳۰. ضويحي، على بن سعد بن صالح (۱۹۹۵). آراء المعتزلة الاصولية، رياض: مكتبة الرشد، الطبعة الاولى.
۳۱. عبدالجبار (قاضى) (بى تا). المعنى فى ابواب التوحيد و العدل (ج ۱۲ - التكليف)، تحقيق: طه حسين، بى جا: بى نا.
۳۲. العبد، محمد؛ عبد الحليم، طارق (۱۹۸۷). المعتزلة بين القديم و الحديث، بيرمنگهام: دار الارقم، الطبعة الاولى.
۳۳. عقاد، عامر (۱۹۸۷). احمد امين حياته و ادبه، بيروت: دار الجيل.
۳۴. عمارة، محمد (۱۹۷۱). رسائل العدل و التوحيد، قاهرة، دار الهلال، الطبعة الاولى.
۳۵. عمارة، محمد (۱۹۸۹). الاسلام و فلسفة الحكم، قاهرة، دار الشروق، الطبعة الاولى.
۳۶. عمرانى، يحيى بن ابى الخير (۱۹۹۹). الانتصار فى الرد على المعتزلة القدرية الاشرار، تحقيق: سعود بن عبد العزيز الخلف، رياض: مكتبة أضواء السلف، الطبعة الاولى.
۳۷. العوا، عادل (۱۹۸۷). المعتزلة و الفكر الحر، دمشق: الأهالى، الطبعة الاولى.
۳۸. غامدى، صالح بن غرم الله (۱۹۹۸). المسائل الاعتزالية فى تفسير الكشاف للزمخشري فى ضوء ما ورد فى كتاب الانتصار لابن المثير (۶۲۰-۶۸۳ ه.ق.)، حائل: دار الأندلس، الطبعة الاولى.
۳۹. قاسمى، جمال الدين (۱۹۷۹). تاريخ الجهمية و المعتزلة، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.
۴۰. كحالة، عمر رضا (۱۹۷۵). معجم المؤلفين، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
۴۱. كعبى بلخى، ابوالقاسم (۲۰۰۰). قبول الاخبار و معرفة الرجال، تصحيح و تحقيق: ابو عمرو الحسينى، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.
۴۲. كمال، يوسف (۱۹۸۶). العصريون؛ معتزلة اليوم، المنصورة: دار الوفاء، الطبعة الاولى.
۴۳. كنانى، ابوالحسن (۱۹۹۴). الحيدة و الاعتذار فى الرد على من قال بخلق القرآن، تحقيق: على بن ناصر الفقيهى، المدينة المنورة: مكتبة العلوم و الحكم، الطبعة الاولى.
۴۴. گلدزبهر، ايگناز (۱۳۵۷). درس هاى درباره اسلام، ترجمه: على نقى منزوى، تهران: انتشارات كمان گير، چاپ دوم.

بررسی و تحلیل سیر معتزله پژوهی در قرن بیستم میلادی

۴۵. گل‌زیه‌ر، ایگناز (۱۳۸۸). *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*، ترجمه: سید ناصر طباطبایی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ سوم.
۴۶. لاشین، عبد الفتاح (۱۹۷۸). *بلاغة القرآن فی آثار القاضی عبد الجبار و أثره فی الدراسات البلاغیة*، قاهره: دار الفكر العربی، الطبعة الاولى.
۴۷. مارتین، ریچارد سی. (۱۳۹۱). «نقش معتزله بصره در شکل‌گیری نظریه اعجاز قرآن»، ترجمه: مهرداد عباسی، فصل‌نامه پژوهش‌های قرآنی، س ۱۸، ش ۴ (۷۲)،
۴۸. مرتضی، شریف (۱۴۱۰). *الشافی فی الامامة*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، الطبعة الثانية.
۴۹. مُرُوَّة، حسین (۱۹۷۸). *النزعات المادیة فی الفلسفة العربیة الاسلامیة*، بیروت: دار الفارابی، الطبعة الاولى.
۵۰. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، قم: دار الهجرة، الطبعة الثانية.
۵۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *انسان و سرنوشت (مجموعه آثار - ج ۱)*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ پانزدهم.
۵۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). *سیری در سیره ائمه اطهار (مجموعه آثار - ج ۱۸)*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هفتم.
۵۳. مُعْتَق، عَواد بن عبد الله (۲۰۰۱). *المعتزلة و أصولهم الخمسة و موقف أهل السنة منها*، ریاض: مكتبة الرشد، الطبعة الرابعة.
۵۴. نادر، ألبیر نصری (۱۹۵۰). *فلسفة المعتزلة: فلاسفة الاسلام الأسبقین*، اسکندریه: دار نشر الثقافة، الطبعة الاولى.
۵۵. نفعی، منیف بن عایش (۱۹۹۹). *اثر الفكر الاعتزالی فی عقائد الاشاعرة عرض و نقد*، رساله دکتری در جامعه ام القرى مکه مکرمه.
۵۶. یافعی، عبد الله بن اسعد (۱۹۹۲). *مرهم العلل المعضلة فی الرد علی أئمة المعتزلة*، تحقیق: محمود محمد نصار، بیروت: دار الجیل، الطبعة الاولى.
57. Caspar, Robert (1957). "Un aspect de la pensée musulmane moderne: le renouveau du motazilisme", *MIDEO* 4, pp. 141-202.
58. Gimaret, Daniel (1993). "Mutazila", in: *EI2*, Bd. 7, S. 783-93.
- 59. Khalid, Detlev (1969). "Ahmad Amin - Modern Interpretation of Muslim Universalism", in: *Islamic Studies*, pp. 47-93.**
60. Martin, Richard C; Woodward, Mark R. (1997). *Defenders of Reason in Islam*, one world Publications, Oxford.

پی‌نوشت‌ها:

۱. شیخ طاهر الجزایری، علامه‌ای در لغت و ادب در زمان خویش بود. پدرش صالح الجزایری (۱۸۲۴-۱۸۶۸) از فقهای مالکی در الجزائر بود که در زمان اشغال الجزائر به دست فرانسه در ۱۲۶۴ ه.ق. (۱۸۴۸) به دمشق مهاجرت کرد و در همان جا وفات کرد. فرزند او طاهر نیز در دمشق تولد و وفات یافت. طاهر سعی و تلاش خود را به جست‌وجو و دستیابی به نسخه‌های خطی اختصاص داد. وی بسیاری از لغات شرقی مانند عبری، سریانی، حبشی، زاوی، ترکی و فارسی را می‌دانست. برای او حدود بیست کتاب ذکر شده است (کحالة، ۱۹۷۵: ۳۶/۵؛ زرکلی، ۱۹۸۰: ۱۸۹/۳ و ۲۲۱ با تلخیص).
۲. ابن‌راوندی یکی از متکلمان سده ۳ ه.ق. است. درباره تاریخ تولد و وفات او اختلاف نظر وجود دارد. اما بر پایه گزارش‌های مسعودی (۱۴۰۹: ۲۳/۴) و ابن‌خلکان (بی‌تا: ۹۴/۱) که تاریخ وفات او را ۲۴۵ ه.ق. و در چهل‌سالگی ذکر کرده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که وی در حدود ۲۰۵ ه.ق. متولد شده است. درباره عقیده و مذهب او گفته شده که ابتدا از معتزله و پیرو ایشان بود تا آنکه به الحاد گرایید و منکر خالق خود شد و معتزله او را از خود راندند (الخیاط، ۱۹۹۳: ۱۱) و همین سبب دشمنی و خشم او بر معتزله شد (همان: ۱۰۲ و ۱۷۳)، اما در واقع علت طرد او از طرف معتزله، الحاد و نفی خالق نبوده، بلکه مخالفتش با عقاید معتزله بوده است. وی به دلیل گرایش به شیعه در کتاب‌های *فضیحة المعتزلة* و *الامامة* از سوی معتزلیان به تشیع متهم است. سید مرتضی معتقد است وی در تألیف کتاب‌هایش قصد معارضه با معتزله را داشته و در این راه از آنان پیشی گرفته است (۱۴۱۰: ۸۷/۱). *فضیحة المعتزلة* وی در پاسخ به *فضیلة المعتزلة* جاحظ نوشته شده و کتاب *الاتصار والرد علی ابن‌الراوندی الملحد ابوالحسین خیاط* نیز تلاشی برای پاسخ به همین کتاب ابن‌راوندی است (برای مطالعه بیشتر نک: رضازاده و زریاب، ۱۳۷۴: ۵۳۱-۵۳۹).
۳. وی از بزرگان معتزله است. تاریخ تولد و وفات او به طور دقیق بیان نشده است، اما با توجه به قرائتی که نیبرگ ذکر می‌کند، وی در نیمه دوم قرن سوم می‌زیسته و اندکی بعد از ۳۰۰ ه.ق. وفات یافته است (الخیاط، ۱۹۹۳، مقدمه نیبرگ، ص ۱۸ و ۱۹).
۴. درباره ابن ماجرا نک: همان: ۱۰-۱۳.
۵. البته وی همان نگاه سنتی و مشهور ضد معتزلی را پیروی می‌کند. برای مثال، در باره مسئله خلق قرآن نک: رفاعی، ۱۹۲۷: ۳۹۵/۱-۳۹۸.
۶. حنا فاخوری، *الجاحظ*، ۱۹۵۶؛ جمیل جبر، *الجاحظ و مجتمع عصره*، ۱۹۵۸؛ عبد الحکیم بلع، *ادب المعتزلة إلى نهاية القرن الرابع الهجری*، ۱۹۵۹؛ داوود سلوم، *التقد المنهجی عند الجاحظ*، ۱۹۶۰؛ محمد المبارک، *فن القصص فی کتاب البخلاء للجاحظ*، ۱۹۶۵؛ ودیعة طه النجم، *الجاحظ والحضارة العباسیة*، ۱۹۶۵؛ احمد کمال زکی، *الجاحظ*، ۱۹۶۷.
۷. احسان عباس، *الحسن البصری*، ۱۹۵۲؛ ابراهیم الکیلانی، *ابوخیان التوحیدی*، ۱۹۵۷؛ تألیفات احمد محمد الحوفی با عناوین *الجاحظ* در ۱۹۶۴، *ابوخیان التوحیدی* در ۱۹۶۴ و *الزمرخسری* در ۱۹۶۶.
۸. در جهان غرب نیز گرچه از اوایل قرن بیستم در خلال بعضی کتاب‌ها نظیر آثار گلدزیهر در ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ سخن از معتزله به میان آمده است (نک: گلدزیهر، ۱۳۵۷: ۱۸۴-۱۸۶؛ همو، ۱۳۸۸: ۲۹۴-۲۹۹)، اما سیر معتزله‌پژوهی در غرب به طور خاص از دهه شصت میلادی آغاز شد. از مهم‌ترین این تحقیقات که محل توجه بسیاری از محققان بعدی قرار گرفت، پژوهش «رابرت کاسپار» با عنوان *“Un aspect de la pensée musulmane moderne: le renouveau du mo'tazilisme”* است که در ۱۹۵۷ انجام شد و می‌توان گفت اولین کسی که محمد عبده را احیاکننده اندیشه‌های اعتزالی در دوران معاصر، معرفی کرد، او بود و دیگران به پیروی از وی این ادعا را مطرح کردند. وی در این باره می‌نویسد: «عبده از اظهار علنی معتزله خودداری می‌کرد، ما فکر می‌کنیم عمداً این کار را انجام می‌داد تا دیگران معتزله را راحت‌تر بپذیرند»

۹. *Some Aspects of Neo-Mutazilism* (Caspar, 1957: 158). همچنین در ۱۹۶۹ دتلو خالد، پژوهشی را با عنوان *Some Aspects of Neo-Mutazilism* انجام داد و احمد امین را نقطه اوج معتزله جدید معرفی کرد (خالد، ۱۳۸۷: ۳۶).
۱۰. جلد‌های اول، دوم، سوم، دهم، هجدهم و نوزدهم هنوز یافت نشده است.
۱۱. علی‌رغم اینکه محقق در مقدمه کتاب، با رد هر نوع احتمال خلاف در خصوص مؤلف، قائل است که تمام کتاب نوشته قاضی عبدالجبار است، باید گفت در صحت این انتساب تردید جدی وجود دارد، به دلایلی از جمله:
۱. در این کتاب، مطالب متعددی از قاضی عبدالجبار نقل شده که به طور متعارف هیچ نویسنده‌ای از خود چنین نقل‌هایی نمی‌کند؛ ۲. انتقاد مؤلف کتاب از بعضی کتاب‌های قاضی عبدالجبار؛ ۳. تعارض‌های آشکار در بین مطالب این کتاب با دیگر کتاب‌های قاضی عبدالجبار؛ ۴. قرار داده شدن نظر مؤلف در مقابل نظر معتزله؛ ۵. ناسازگاری شیوه نگارش کتاب و ادبیات آن با دیگر کتاب‌های قاضی عبدالجبار؛ لذا با بررسی محتوای کتاب کاملاً برمی‌آید که این کتاب از آثار زیدی است و نگارنده آن، قوام الدین مانکدیم احمد بن ابی‌الحسین بن ابی‌هاشم زیدی (متوفی ۴۲۰ ه.ق.) است. دانشگاه کویت در ۱۹۹۸، کتابی را با عنوان *مستقل الاصول الخمسة* به چاپ رسانید که محتوای آن، عبارت‌هایی است که در کتاب *شرح الاصول الخمسة* به قاضی عبدالجبار نسبت داده شده است (برای مطالعه بیشتر نک: راشدی‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۸۳-۱۹۶).
۱۲. حسن انصاری در اصالت انتساب این اثر به قاضی عبدالجبار تردید کرده، نویسنده اصلی این کتاب را «قاضی القضاة ابو احمد عبد الله بن محمد بن ابي علان» معرفی می‌کند (نک: انصاری، آبان ۱۳۹۳، سراسر اثر؛ همو، دی ۱۳۹۳، سراسر اثر).
۱۳. موضوعی که برخلاف دیگر محققان بسیار مورد توجه عماره قرار گرفته، نظریه‌های سیاسی مذهب معتزله است. وی در رساله دکتری خود که در ۱۹۷۷ نگاشته به بررسی آرای جریان‌های فکری اسلامی درباره موضوع امامت می‌پردازد. وی در پی اثبات این مطلب است که اسلام هیچ نوع خاصی از حکومت را تعیین نکرده، بلکه انتخاب آن را به عهده انسان‌ها گذاشته است. بر همین مبناست که معتزله دولت خلفای راشدین را که مسلمانان با اختیار خود در تشکیل آن سهیم بودند، به عنوان نظام سیاسی برگزیدند و لذا تفاوت بسیاری با شیعیان دارند که اعتقاد به از پیش تعیین‌شدگی حکومت و وصیت و تعیین امام از جانب خداوند دارند (عمارة، ۱۹۸۹: ۵۸۵-۵۸۶).
۱۴. أبو عمران الشیخ (متولد ۱۹۲۴) اندیشمند الجزائری و «رئیس المجلس الإسلامي الأعلى» در این کشور است. برای آشنایی بیشتر با وی نک: سایت «المجلس الإسلامي الأعلى» به آدرس: www.hci.dz
۱۵. عنوان اصلی کتاب *Le problème de la liberté humaine dans la pensée musulmane (Solution mu'tazilite)* است که در ۱۳۸۲ اسماعیل سعادت آن را با عنوان *مسئله اختیار در تفکر اسلامی و پاسخ معتزله به آن* به فارسی ترجمه کرد و در تحقیق پیش رو نیز از ترجمه فارسی آن استفاده شده است.
۱۶. در غرب نیز روند معتزله‌پژوهی همچنان و با سرعت بیشتری نسبت به قبل ادامه داشت. برای مثال، ریچارد مارتین در ۱۹۸۰ به بررسی «نقش معتزله بصره در شکل‌گیری نظریه اعجاز قرآن» پرداخت و فرآیند تبدیل استدلال‌ها و جدل‌ها به نظریه‌ای دقیق و سامان‌یافته یعنی اعجاز قرآن را تبیین کرد (نک: مارتین، ۱۳۹۱: ۱۳۴). وی در ۱۹۹۷ نیز به همراه وودوارد به بررسی آرای قاضی عبدالجبار پرداخت و نیز با مبنا قرار دادن نظرات هارون ناسوشن (Harun Nasution) پژوهشگر اندونزیایی، جایگاه معتزله در عصر حاضر به ویژه در کشور اندونزی را بررسی کرد (Martin & Woodward, 1997: part 1 & part 2). همچنین دانیل گیمارت در ۱۹۹۳ مدخل «معتزله» در *دائرة المعارف اسلام* را نگاشت و سیر تاریخی معتزله در پنج قرن نخست را بررسی کرد (Gimaret, 1993: 783-793).

۱۶. درباره ویژگی‌های این نسخه خطی نک: کعبی بلخی، ۲۰۰۰: مقدمه تحقیق، ص ۷.
۱۷. این کتاب، که از نظر ساختار به صورت یک مناظره طراحی شده، رديه‌ای بر دیدگاه‌های بشر مریسی از شیوخ معتزله (متوفی ۲۱۸ ه.ق.) و هم‌فکران او فقط با تکیه بر آیات قرآنی است. بدین ترتیب می‌توان کتاب را نوعی تفسیر موضوعی با مضامین اعتقادی دانست (پاکتچی، ۱۳۸۷: ۷۰۵).
۱۸. محنة در لغت به هر درد و رنج و مصیبتی که انسان ممکن است بدان گرفتار شود، اطلاق می‌شود و در اصطلاح امروزی آن عبارت است از ترس و شکنجه و ستمی که از سوی صاحبان نفوذ، دولت‌ها، پلیس و غیره بر اندیشمندان یا متفکری روا می‌شود که ممکن است به اهانت و دشنام یا شکنجه روحی یا جسمی یا حتی به قتل و مثله کردن آن اندیشمندان بینجامد. در ماجرای محنة که در زمان مأمون آغاز شد و در خلافت معتصم و واثق (۲۱۸-۲۳۴ ه.ق.) نیز ادامه یافت، علما و کارگزاران دولت، ضمن بازجویی، با شکنجه وادار به اعتراف به خلق قرآن می‌شدند و در صورت خودداری به زندان افکنده می‌شدند (برای مطالعه بیشتر نک: جابری، ۱۳۹۱: ۱۰۵-۱۸۵).
۱۹. وی ابتدا با نام رشید البندر تحقیقات خود را به چاپ می‌رساند، مانند تحقیق منتشر شده در ۱۹۹۴.
۲۰. وی در تحقیق خود معتزله را پیش‌گامان اندیشه مادی‌گرایانه معرفی می‌کند (مُرُوءة، ۱۹۷۸: ۴۹/۱ و ۵۰).
۲۱. ابو سعده، مَهْرَى حسن، *الاتجاه العقلي في مشكلة المعرفة عند المعتزلة*، قاهرة: دار الفكر العربي، الطبعة الاولى، ۱۹۹۳؛ يوسف، هانم ابراهيم، *اصل العدل عند المعتزلة*، قاهرة: دار الفكر العربي، الطبعة الاولى، ۱۹۹۳؛ محسن، نجاح، *الفكر السياسي عند المعتزلة*، قاهرة: دارالمعارف، الطبعة الاولى، ۱۹۹۶؛ پایان‌نامه‌هایی نیز دیگر استاد فلسفه دانشگاه قاهره، حسن حنفی (متولد ۱۹۳۵) راهنمایی کرد، از جمله «العدل الالهی: دراسة مقارنة بين المعتزلة و لايبنتس» در ۱۹۹۵.
۲۲. سید، محمد صالح محمد، عمرو بن عبید و *آراءوه الكلامية*، قاهرة: مكتبة نهضة الشرق، الطبعة الاولى، ۱۹۸۵؛ دیاب، منی حسن، «معجم التعريفات الكلامية عند القاضی عبدالجبار»، *مجلة الفكر العربي*، ش ۵۰، ۱۹۸۸، ص ۲۲۷-۲۳۶؛ شواشی، سلیمان، *واصل بن عطاء و آراءوه الكلامية*، طرابلس لیبی: الدار العربية للكتاب، الطبعة الاولى، ۱۹۹۳؛ سید، محمد صالح محمد، *الخیر و الشر عند القاضی عبدالجبار*، قاهرة: دار قباء، الطبعة الاولى، ۱۹۹۸.
۲۳. هر اندیشه را بر اساس محتوایش باید سنجید نه بر اساس معرف آن.